

تاریخ وصول: ۸۹/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱/۳۰

«صمت و خاموشی از دیدگاه عرفا»

احمدرضا یلمه‌ها

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان، دانشیار گروه ادبیات فارسی، دهقان، ایران

چکیده:

سیر و سلوک دارای ارکان، آداب و احوالی است. یکی از ارکان سلوک را صمت و سکوت دانسته‌اند. در قرآن و احادیث همیشه سکوت به عنوان یک ارزش و یک نشانه والا مطرح گردیده است. در متون مشهور و منظوم عرفانی نیز سکوت و خاموشی از شرایط خلوت و از ابزارهای رسیدن به کمالات عرفانی است و دارای فواید و نتایجی است؛ برخی از عرفا اصل طریقت را سکوت دانسته‌اند؛ از آنجا که خاموشی دارای انواع و گونه‌هایی است و درباره سکوت صوفیان نظریات و عقاید گوناگونی وجود دارد، به گونه‌ای که برخی خاموشی را ترجیح نهاده و برخی گفتار را، این مقاله بر آن است تا حد مقدور، نخست به تحلیل مفهوم صمت و خاموشی در قرآن و احادیث و امهات متون عرفانی و سپس به مثنوی معنوی به عنوان یکی از این آثار که سکوت و خاموشی عرفانی در آن بازتاب و جلوه خاصی دارد بپردازد.

کلید واژه‌ها:

عرفان، متون عرفانی، سیر و سلوک، صمت، سکوت، زبان، خاموشی.

صمت و جوع و سهر و خلوت و ذکر به دوام
ناتمامان جهان را کند این پنج تمام

پیشگفتار

تصوف دارای اصول و بنیادهایی است. مرید در مسیر سیر و سلوک باید این اصول را رعایت نموده تا بتواند از بدایت به درآید. یکی از اصول اساسی طریقت خلوت است و صمت و خاموشی نیز از شرایط اصولی خلوت. برای خاموشی و سکوت عارفانه اعمال، شرایط، نتایج و فوایدی در نظر داشته‌اند. پیش از ورود به بحث، خالی از فایده‌تی نیست اگر به مفهوم لغوی و اصطلاحی صمت و نیز به بازتاب سکوت در قرآن، احادیث و روایات پرداخته شود.

مفهوم لغوی صمت :

صمت به فتح اول و سکون میم در لغت به معنی خاموش بودن و خاموش شدن و سکوت است (دهخدا، ذیل صمت). و در اصطلاح به معنی ترک تکلم با داشتن قدرت است؛ بدین صورت که سالک در موضع عزلت با هیچ یک از اطرافیان خود سخن نگوید و خویش را با سخن گفتن با آنان سرگرم نسازد.

بین دو واژه صمت و سکوت تفاوت‌هایی هم هست. در زبان عربی به چیزهای جامد، اشیاء صامت می‌گویند. صمت نوعی از خاموشی پایدار و سکوت خاموشی موقتی و گذراست. صمت ترک مطلق سخن گفتن است در حالی که سکوت، خاموشی در جایی است که سخنی به میان آمده و بعد از گفتن باز ایستاده است.

صمت و خاموشی در قرآن و احادیث :

در قرآن و روایات اسلامی به سکوت و خاموشی تاکید و توصیه ویژه‌ای شده است. علت و غایت اصلی سکوت نیز بدین جهت است که شخص در حالت سکوت قدرت تفکر و تدبیر بیشتری پیدا کرده و در آثار صنع الهی تعمق و تأمل افزونتری داشته باشد و دیگر آنکه از گفتار

لغو حذر نموده و به گفتن سخنان حکیمانه و عادلانه بپردازد. از این روست که ساعتی تفکر و اندیشه بهتر از هفتاد سال عبادت و اطاعت است. و خداوند از چنین افرادی به اهل ذکر یاد می‌کند و می‌فرماید « و اذکرو الله ذکرا کثیرا »^۱.

در قرآن کریم در دو جایگاه به سکوت به عنوان یک ارزش بالا و والا نگریسته شده است:

۱- در داستان حضرت زکریا (ع) می‌خوانیم هنگامی که مژده تولد حضرت یحیی (ع) در آینده نزدیک به او داده شد، در حالی که هم خودش پیر و ناتوان بود و هم همسرش نازا، از خداوند تقاضای نشانه‌ای کرد «قال رب اجعل لی آیه»^۲ و به او وحی شد که نشانه تو آن است که سه شبانه روز کامل سخن نگوئی و سکوت اختیار کنی (قال آیتک لا تکلم الناس ثلاث لیل سوّیا) و مولانا این مفهوم را بدین زیبایی بیان نموده است:

زان نشان با والد یحیی بگفت که نیایی تا سه روز اصلا بگفت
تا سه شب خامش کن از نیک و بدت این نشان باشد که یحیی آیدت
دم مزن سه روز اندر گفت و گو کاین سکوت است آیت مقصود تو
هین میاور این نشان را تو به گفت وین سخن را دار اندر دل نهفت

(مثنوی، دفتر دوم، بیت ۱۶۷۵)

۲- آن زمان که حضرت مریم (ع) عیسی (ع) را به دنیا آورده و از این که مبدا به امری زشت متهم شود بسیار اندوهگین بود تا آنجا که تقاضای مرگ از خدا کرد. در این هنگام ندایی شنید که در آن ندا به سکوت و خاموشی مامور می‌شود. « هر گاه انسانی را دیدی و از تو توضیح خواست با اشاره بگو من برای خدای رحمان روزه سکوت گرفته‌ام و امروز با احدی سخن نمی‌گویم، فقولی انی نذرت للرحمن صوما فلن اکلم الیوم انسیا ». (مریم، آیه ۲۶).

در احادیث و روایات اسلامی نیز سکوت و صمت همیشه به عنوان یک مفهوم ارزشی شناخته شده و آن را یکی از وادیه‌های خودسازی و سلوک می‌دانند و برای آن فواید و نتایجی قائل هستند:

۱- سوره احزاب، آیه ۴۱.

۲- سوره مریم، آیه ۱۰.

- ۱- بهترین و برترین عبادت، صمت و خاموشی است.^۱
 ۲- سکوت باعث تعمیق فکر می گردد.^۲
 ۳- خاموشی دری از درهای حکمت است که باعث جذب محبت می شود.^۳
 ۴- سکوت باعث استواری و باروری عقل و روشنائی اندیشه می شود.^۴
 ۵- عدم قساوت و سنگدلی به واسطه صمت و خاموشی است.^۵
 ۶- سکوت باعث کسب خیرات و مبرات است.
 ۷- صمت باعث نجات از گناهان است.^۶
 ۸- سکوت باعث طرد شیطان است.^۷
 ۹- سبکباری و آسایش در سکوت است.
 ۱۰- سکوت باعث ایجاد وقار و ادب است.
 ۱۱- سلامت از لغزشها با سکوت امکان پذیر است.^۸
 ۱۲- سکوت پوشاننده جاهل و زینت عالم است.^۹
 ۱۳- خاموشی وسیله درک حلاوت و لذت عبادات است.
 ۱۴- سکوت موجب رضا و خشنودی حق است.

فوائد صمت
از دیدگاه
احادیث و
روایات

- ۱- امام صادق(ع) می فرمایند: «ما عبدالله بشی افضل من الصمت».
 ۲- امام صادق(ع) می فرمایند: «دلیل العاقل التفکر و دلیل التفکر» (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۰۰)
 ۳- امام رضا(ع) می فرمایند: «ان الصمت یکسبه المحبه و انه دلیل علی کل الخیر». (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۳)
 ۴- امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: «اکثر صمتک یتوقر فکرک و یتستیر قلبک و یسلم الناس من یدک». (میزان الحکمه، ماده صمت، حدیث ۱۰۸۵)
 ۵- امام صادق(ع) می فرمایند: «فان الذین یکترون الکلام فی غیر ذکر الله، قاسیه قلوبهم ولكن لا یعلمون». (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۴) و نیز حدیث قدسی: «یا ابن آدم اذا وجدت قساوه فی قلبک و سقما فی جسمک و نقیصه فی مالک و حزیمه فی رزقک فاعلم انک تکلمت فیما لا یعینک».
 ۶- رسول خدا(ص) فرمود: «نجاه المؤمن فی حفظ لسانه»، «من صمت نجی» (کافی اصول، ج ۲، ص ۱۱۴).
 ۷- رسول خدا(ص) «علیک بطول الصمت فانه مطرده للشیطان و عون لک علی امر دینک». (بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۲۷۹)
 ۸- امام موسی کاظم(ع) می فرمایند: «قله المنطق حکم عظیم، فعلیک بالصمت، فانه دعه حسنه و قله و خفه من الذنوب».
 ۹- پیامبر اعظم(ص) می فرمایند «علیک بالصمت، تعد حلیمًا، جاهلاً کنت او عالمًا، فان الصمت زین لک عند العما و ستر لک عند الجهان».

سکوت و خاموشی در متون عرفانی

در متون منظوم و مثنوی عرفانی نیز صمت و سکوت و خاموشی همواره به عنوان یکی از شرایط اصلی خلوت در مسیر سیر و سلوک است. تا آنجا که برخی از عرفا اصل طریقت را سکوت دانسته و آن را یکی از ابزارهای رسیدن به کمالات عرفانی می‌دانند. در مورد فضل و برتری خاموشی و یا گفتار، برخی خاموشی را ترجیح نهاده و برخی از عرفا گفتار را افضل می‌شمارند. هجویری در باب آدابهم فی الکلام و السکوت می‌نویسد: «گروهی از مشایخ سکوت را بر کلام فضل نهاده‌اند و گروهی کلام را بر سکوت و من که علی بن عثمان الجلابی‌ام می‌گویم کلامها بر دو گونه باشد و سکوتها بر دو گونه. کلام یکی حق بود و یکی باطل و سکوت یکی حصول مقصود و آن دیگر غفلت؛ پس هر کسی را گریبان خود باید گرفت اندر حال نطق و سکوت. اگر کلامش بحق بود، گفتارش بهتر از خاموشی و اگر باطل بود، خاموشی بهتر از گفتار و اگر خاموشی از حصول مقصود او مشاهده بود، خاموشی بهتر از گفتار و اگر از حجاب و غفلت بود، گفتار بهتر از خاموشی.^۱ هجویری معتقد است گفتار دارای آدابی است و آن عبارت است:

- | | | |
|---|---|------------------------------------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱- بی امر نگوید. ۲- در سخن پیران تصرف نکند. ۳- عبارات غریب بر اولیا نیارد. ۴- با زبان شهادت دروغ نگوید. ۵- درویشان را با نام مجرد نخواند. ۶- ناپرسیده نگوید. ۷- در سخن گفتن ابتدا نکند. ۸- بر باطل خاموش نباشد. ۹- جز حق نگوید. | } | ادب و گفتار
از دیدگاه
هجویری |
|---|---|------------------------------------|

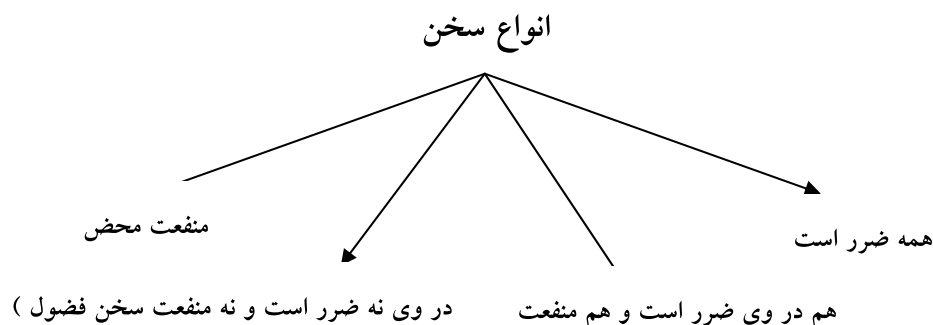
۱- کشف المحجوب، ص ۴۶۲.

غزالی و سکوت :

امام محمد غزالی در کیمیای سعادت در رکن سوم کتاب (بخش مهلکات) فصلی مشبع دارد با نام «اصل سوم شیره سخن و آفت زبان». وی معتقد است که «زبان از عجایب صنع حق تعالی است که به صورت پاره‌ای گوشت است و به حقیقت هر چه در وجود است در زیر تصوف وی آید بلکه آنچه در عدم است»^۱.

سپس می نویسد: از شر و آفات زبان حذر کردن از مهمات دین است و در ادامه به فضل خاموشی و آفت بسیار گفتن و فضولی گفتن و لذت جدل گفتن، خصومت کردن، آفت فحش و دشنام و دراز زبانی، آفت لعنت کردن و مزاح و سخریه کردن، آفت دروغ و غیبت و سخن چیدن و دورویی کردن و آفت مدح و هجا و سپس راههای علاج آن سخن به میان می آورد و می گوید که «عیسی (ع) گفت عبادت ده است، نه خاموشی است و یکی گریختن از مردمان و رسول (ص) گفت: هر که بسیار سخن بود، بسیار سقط بود و هر که بسیار سقط بود بسیار گناه بود و هر که بسیار گناه بود، آتش به وی اولیتر و از این رو ابوبکر (رض) سنگی اندر دهان نهاده بودی تا سخن نتواند گفت»^۲.

غزالی معتقد است که سخن چهار نوع است :



سه قسم اول ناگفتنی است و یکی از آن چهار، گفتنی است .

۱- کیمیای سعادت، ج ۲، ص ۶۳.

۲- همان، ص ۶۶.

بنابراین مرید را «هیچ تدبیر نیکوتر از خاموشی نیست چندان که بتوان و چنین گویند که ابدال آن باشند که گفتن و خوردن و خفتن وی بر قدر ضرورت باشد»^۱.

آفات زبان از دیدگاه غزالی

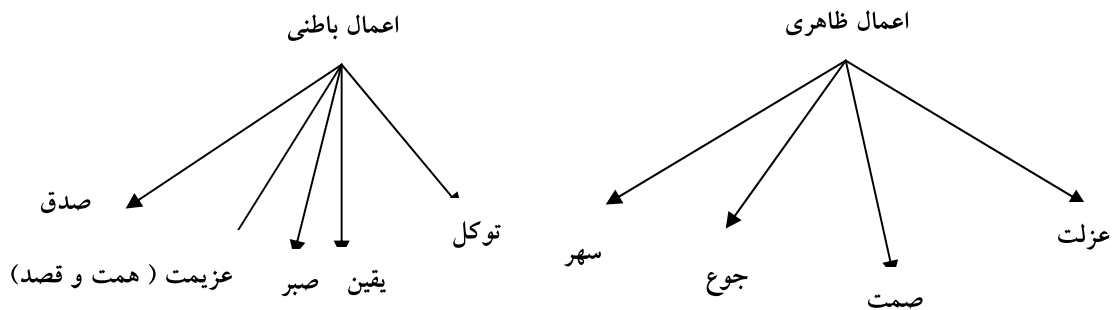
- ۱- بیرون شدن از حسن کلام
- ۲- سخن گفتن در باطل و معصیت
- ۳- خلاف و جدل
- ۴- خصومت در مال
- ۵- فحش و ناسزا گویی
- ۶- لعنت کردن
- ۷- شعر و هجا گویی
- ۸- مزاح
- ۹- استهزاء و خندیدن
- ۱۰- وعده دروغ
- ۱۱- سوگند کذب
- ۱۲- غیبت
- ۱۳- سخن چینی و نَمّامی
- ۱۴- دو رویی میان دو دشمن
- ۱۵- فضّالی و ستایش مردم

صمت از دیدگاه ابن عربی:

ابن عربی در فتوحات مکیه در باب پنجاه و سوم «در معرفت و شناخت آنچه از اعمال که مرید پیش از وجود شیخ بر خویش القا می کند»، بخشی دارد با نام «در بیان اعمال ظاهری و باطنی که مرید خویش را بدانها ملزم می سازد» و این اعمال ظاهری عبارتند از:

۱- کیمیای سعادت، ص ۶۵.

اعمال ظاهری مورد التزام مرید :



آنگاه در باره صمت می گوید: «اما صمت و آن این است که با هیچ کس از مخلوقات ، از وحوش و حشراتی که در سیاحتش ملازم وی می شوند و یا در موضع عزلتش با وی هستند سخن نگوید و اگر یکی از پریان و یا فرشتگان عالم بالا بر او ظاهر گردید ، چشم از آنان برگیرد و خویش را با سخن گفتن با آنان - اگر با او به سخن درآمدند - سرگرم نسازد و اگر پاسخ گفتن بر او واجب گشت به مقدار واجب - نه بیشتر - پاسخ دهد و اگر پاسخ گفتن بر وی واجب نگشت از آنان سکوت کند و به خویش سرگرم باشد»^۱.

فواید خاموشی از دیدگاه نجم الدین کبری

نجم الدین کبری در رساله الهائم الی السایر می نویسد که «سومین مساله ای که مرید صادق باید مراعات نماید سکوت است مگر از ذکر خدای تعالی . چون مرید از کلام فضول و زیاده خاموش ماند ، کلام و سخن دل را که طفل طریق حق است شنود ؛ چه هر گاه زبان به سخن آید دل خاموش ماند و هر گاه که زبان خاموش شود دل به سخن آید»^۲.

و سپس به شروط سالک در مسیر سیر و سلوک می پردازد و دومین شرط از این شروط را خاموشی زبان ظاهر می داند الا از ذکر حق تعالی ؛ و آنگاه ده فایده را در خاموشی زبان ظاهر بیان می دارد :

۱- فتوحات مکیه، ص ۲۴۶.

۲- نقل از شرح اصطلاحات تصوف، ص ۱۸۳.

- | | |
|--|---|
| ۱- نجات روز قیامت از حساب | } فواید خاموشی
از دیدگاه نجم
الدین کبری |
| ۲- به گفتار آمدن زبان دل | |
| ۳- نجات از دوزخ | |
| ۴- نجات از عواقب زیاده گویی | |
| ۵- قهر نفس هرزه لای | |
| ۶- شنیدن کلام فرشتگان | |
| ۷- گشودگی ابواب حکمت | |
| ۸- خاموشی طلاست ^۱ | |
| ۹- تشبیه به زکریا (آیتک لا تکلم الناس ثلاث لیل سَویا) ^۲ | |
| ۱۰- تشبیه به مریم (انی نذرت للرحمن صوما فلن اکلم الیوم انسیا) ^۳ | |
| ۱۱- حصول دوام ذکر حق تعالی | |

خاموشی از دیدگاه قشیری

قشیری در رساله قشریه در باب دهم به بحث خاموشی و فواید آن می پردازد . وی پس از نقل گفتار سخنان مشایخ درباره نتایج خاموشی معتقد است که «خاموشی سلامت است و اصل آن است و بر آن ندامت باشد . چون وی را از آن باز دارند واجب آن بود که فرمان شرع در آن نگاه دارد و خاموشی در وقت خویش صفت مردان است ؛ چنان که سخن اندر موضع خویش از شریف ترین خصلت هاست»^۴

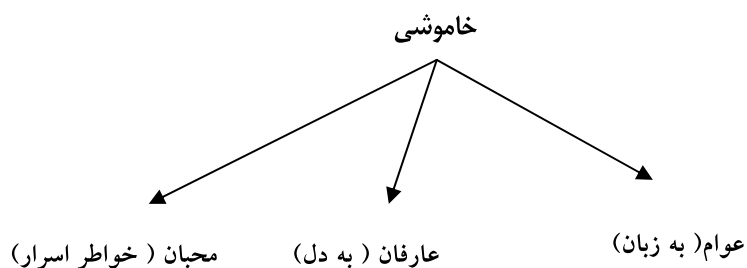
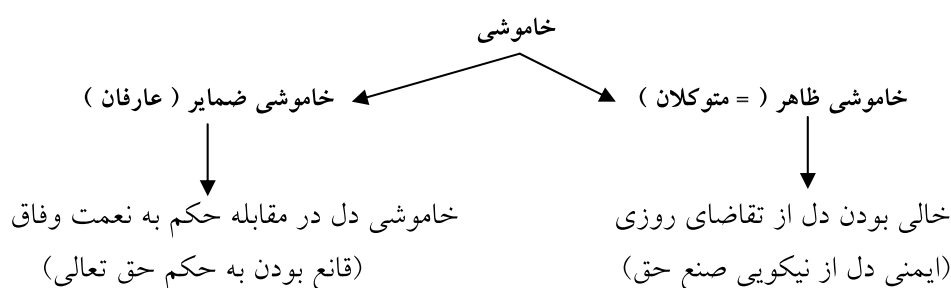
۱- امام صادق(ع) می فرمایند: «قال لقمان لابنه یا بنی! ان كنت زعمت ان الکلام من فضه، فان السکوت من ذهب». (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۴) مثل معروف «گر سخن نقره است، خاموشی طلاست» از اینجا گرفته شده است.

۲- سوره مریم، آیه ۱۰.

۳- سوره مریم، آیه ۶۴.

۴- رساله قشیری، ص ۱۸۲.

وی معتقد است که خاموشی بر دو نوع است :



خاموشی در مثنوی :

مولانا نیز مانند دیگر عرفا خاموشی را یکی از آداب سلوک می داند و همواره خاموشی را بر نطق و زبان برتری می دهد . وی همواره به ستایش خاموشی و ارزش و اهمیت آن نسبت به گفتار اشاره دارد . همچنین معتقد است که صمت باعث جذب شناخت حقایق اشیاء و سرانجام معرفت بالله می شود . دیگر آن که صمت و خاموشی لازمه سالک مبتدی است و زبان آوری و بجاگویی ویژه و شیوه کاملان و اولیاء و خاصان حق است .

افلاکی در مناقب العارفين از قول مولانا آورده « سخن گفتن طفولیت است آنجا که مردی است از سخن مستغنی است»^۱ بر این اساس مولانا لفظ خاموشی را در اکثر غزلیات به کار برده و به قول برخی این تخلص را برای خود انتخاب می کند .

۱- مناقب العارفين، ص ۵۳۸.

فواید صمت از دیدگاه مولانا :

۱- سکوت باعث سرپوشی و عدم افشای حقایق می شود :

چون بینی مشک پر مکر و مجاز لب ببند و خویشتن را خنب ساز

(دفتر ششم، ب ۲۰۳۷۲)

و نیز :

گه بترسد گه جوابی وا دهد گوهری از لُنج او بیرون فتد

لب ببندد سخت او از خیر و شر تا نباید کز دهان افتد گهر

(دفتر پنجم، ب ۳۲۴۲)

مولانا برای این مطلب حکایتی نقل می کند :

همچنانکه گفت آن یار رسول چون بُنی بر خواندی بر ما فصول

آن رسول مجتبی وقت نثار خواستی از ما حضور و صد وقار

آنچنان که بر سرت مرغی بود کز فواتش جان تو لرزان شود

پس نیاری هیچ جنبیدن ز جا تا نگیرد مرغ خوب تو هوا

دم نیاری زد ببندی سرفه را تا نباید که پیرد آن هما

ور کسات شیرین بگوید یا ترش بر لب انگشتی نهی یعنی خمش

(دفتر پنجم، ب ۳۲۴۴)

۲- سکوت باعث شنود کلام حق می گردد :

پنبه آن گوش سر گوش سر است تا نگردد این کر آن باطن ، کر است

بی حس و بی گوش و بی فکر شوید تا خطاب ارجعی را بشنوید

(دفتر اول، ب ۵۶۸)

و یا در دفتر سوم می خوانیم :

دم مزن تا بشنوی از دم زنان آنچه نامد در زبان و در بیان
دم مزن تا بشنوی زان آفتاب آنچه نامد در کتاب و در خطاب
دم مزن تا دم زند بهر تو روح آشنا بگذار در کشتی نوح

(دفتر سوم ، ب ۱۲۹۸)

۳- صمت باعث شناخت اسرار الهی می شود :

گوش آن کس نوشد اسرار جلال کو چو سوسن صد زبان افتاد و لال

(دفتر سوم ، ب ۲۱)

۴- خاموشی جاذب رحمت است :

صبر و خاموشی جذوب رحمت است وین نشان جستن نشان علت است
آنصتوا بپذیر تا بر جان تو آید از جانان جزای انصتوا

(دفتر سوم ، ب ۲۷۲۵)

۵- خاموشی باعث تقویت نیروی اندیشه می شود :

این سخن در سینه دخل مغزهاست در خموشی مغز جان را صد نماست
چون پیامد در زبان شد خرج مغز خرج کم کن تا بماند مغز نغز

(دفتر پنجم ، ب ۱۱۷۵)

۶- خاموشی باعث سخن آموزی است :

کودک اول چون بزاید شیر نوش مدتی خاموش باشد جمله گوش
مدتها می بایدش لب دوختن از سخن تا او سخن آموختن

(دفتر اول ، ب ۱۶۲۳)

۷- شناخت حقایق اشیا با خاموشی ممکن است :

گفت و گوی ظاهر آمد چون غبار مدتی خاموش خو کن هوش دار
(دفتر اول، ب ۵۷۷)

۸- سکوت مانع پشیمانی است :

من پشیمان گشتم این گفتن چه بود لیک چون گفتم پشیمانی چه سود
نکته‌ای کان جست ناگه از زبان همچو تیری دان که آن جست از کمان
(دفتر اول، ب ۱۶۶۰)

۹- سکوت باعث در باختن زبان نزد پیر می شود :

چون به نزدیک ولی الله شود آن زبان صد گزش کوتاه شود
(دفتر سوم، ب ۲۵۵۰)

و نیز:

ورکست شیرین بگوید یا ترش بر لب انگشتی نهی یعنی خمش
(دفتر پنجم، ب ۳۲۴۹)

۱۰- خاموشی باعث بهره مندی از اولیا می شود :

چونکه در یاران رسی خامش نشین اندر آن حلقه مکن خود را نگین
در نماز جمعه بنگر خوش به هوش جمله جمعند و یک اندیش و خموش
چشم در استارگان نه ، ره بجو نطق تشویش نظر باشد مگو

(دفتر ششم، ب ۱۵۹۲)

۱۱- خاموشی باعث ارتباط با غیب می شود :

مرکب چوبین به خشکی ابتر است خاص آن دریایان را رهبر است

این خموشی مرکب چوبین بود بحریان را خاموشی تلقین بود

(دفتر ششم، ب ۴۶۲۳)

۱۲- خاموشی بر گفتار برتری دارد (ستایش خاموشی) :

خاموشی بحر است و گفتن همچو جو بحر می جوید تو را جو را مجو
از اشارتهای دریا سر متاب ختم کن و الله اعلم بالصواب

(دفتر چهارم، ب ۲۰۶۳)

و در جایی دیگر می گوید :

از سخن گفتن مجوید ارتفاع منتظر را به ز گفتن ، استماع

(دفتر چهارم، ب ۳۳۱۶)

۱۳- سکوت فریاد غیب است :

هر خموشی که ملومت می کند نعره‌های عشق آن سو می زند
تو همی گویی عجب خامش چراست او همی گوید عجب گوشش کجاست

(دفتر ششم، ب ۴۶۲۵)

آفات زبان از دیدگاه مولانا :

زبان دارای دو بعد مثبت و منفی است . نمی توان به دلیل آن که زبان از نعمتهای حق است آن را در هر جایی جاری ساخت بلکه زبان بیانگر میزان عقل آدمی است و چه بسا که سکوت و خاموشی از سخن گفتن بهتر است . رسول خدا (ص) فرمود : «نجاه المؤمن فی حفظ لسانه » ، نجات مومن در حفظ زبان اوست . (اصول کافی ، ج ۲ ، ص ۱۱۴) . مولانا پیش از آن که به آفات زبان پردازد از نقش دو گانه زبان و بعد مثبت و منفی آن ، این چنین سخن می گوید:

ای زبان هم آتش و هم خرمنی چند این آتش در این خرمن زنی
ای زبان هم گنج بی پایان تویی ای زبان هم رنج بی درمان تویی
هم صفیر و خدعه مرغان تویی هم انیس وحشت هجران تویی

(دفتر اول، ب ۱۷۰۰)

آفات زبان :

۱- زبان چون شعله‌ای است که اگر نابجا به کار رود باعث فساد است :

این زبان چون سنگ و هم آتش و ش است
سنگ و آهن را مزن بر هم گزاف
و آنچه بجهد از زبان چون آتش است
گه ز روی نقل و گاه از روی لاف
زانکه تاریک است و هر سو پنبه زار
در میان پنبه چون باشد شرار

(دفتر اول، ب ۱۵۹۴)

۲- گشودن زبان باعث پشیمانی است :

من پشیمان گشتم این گفتن چه بود
لیک چون گفتم پشیمانی چه سود

(دفتر اول، ب ۱۶۶۰)

۳- گاهی یک سخن باعث ویرانی عالمی می شود :

عالمی را یک سخن ویران کند
روبهان مرده را شیران کند

(دفتر اول، ب ۱۵۹۶)

۴- گفتار بد باعث گشودن درهای دوزخ است :

بانگ گفت بد چو دروا می شود
از سقر تا خود چه دروا می شود

(دفتر ششم، ب ۳۴۸۵)

۵- خاصیت زبان درازه گویی است . بنابراین باید در سخنان درست هم صرفه جویی کرد :

گر دو حرف صدق گویی ای فلان
گفت تیره در تبع گردد روان
این نخواندی کالکلام ای مستهام
فی شجون حرّه جرّ الکلام

(دفتر ششم، ب ۱۵۹۷)

۶- زبان در بیان همیشه نارساست :

لفظ در معنی همیشه نارسان زان پیمبر گفت قد کلّ لسان
نطق اسطرلاب باشد در حساب چه قدر داند ز چرخ و آفتاب

(دفتر دوم، ب ۳۰۱۳)

۷- در پیش اولیا سخن گفتن مانند سرگین به جای مشک دادن است :

پیش بینا برده‌ای سرگین خشک که بخر این را به جای ناف مشک
تا فریبی آن مشام پاک را آن چریده گلشن افلاک را

(دفتر چهارم، ب ۲۰۸۴)

۸- زبان افشاگر است :

یا زبان همچو سر دیگ است راست چون بجنبد تو بدانی چه اباست
از بخار آن بداند تیز هوش دیگ شیرینی ز سبکباج ترش

(دفتر ششم، ب ۴۱۹۷)

۹- زبان ظاهر فریب دهنده است . حقیقت را باید در ورای الفاظ جست :

ناطقه سوی دهان تعلیم راست ورنه خود آن نطق را جویی جداست
می رود بی بانگ و بی تکرارها تحتها الانهار تا گلزارها
ای خدا جان را تو بنما آن مقام کاندراو بی حرف می روید کلام

(دفتر اول، ب ۳۰۸۱)

۱۰- الفاظ ظاهری حجابند برای کسب معرفت و شهود باید از آنها گذشت :

چون ز حرف و صوت و دم یکتا شود آن همه بگذارد و دریا شود
حرف گو و حرف نوش و حرفها هر سه جان گردند اندر انتها

(دفتر ششم، ب ۶۹)

۱۱- زبان حجاب است و دام :

گرچه از یک وجه منطق کاشف است لیک از ده وجه پرده و مکنف است

(دفتر چهارم، ب ۲۹۷۳)

لفظها و نامها چون دامهاست لفظ شیرین ریگ آب عمر ماست

(دفتر اول، ب ۱۰۶۱)

۱۲- زبان ویرانگر است . با حفظ لسان باید مانع ویرانگری شد :

نکته ای کان جست ناگه از زبان همچو تیری دان که آن جست از کمان

وا نگرده از ره آن تیر ای پسر بند باید کرد سیلی را ز سر

چون گذشت از سر جهانی را گرفت گر جهان ویران کند نبود شگفت

(دفتر ششم، ب ۱۶۶۸)

۱۳- زبان کشاف اسرار درون است :

آدمی مخفی است در زیر زبان این زبان پرده است بر درگاه جان

چونکه بادی پرده را در هم کشید سرّ صحن خانه شد بر ما پدید

(دفتر دوم، ب ۱۴۵)

نتیجه :

بنابر آنچه گذشت می توان چنین نتیجه گرفت که عرفا همواره خاموشی و صمت را یکی از شرایط اساسی سلوک دانسته و اصولاً صمت را نوعی ریاضت به شمار آورده‌اند که سالک از به جا آوردن آن ناگزیر است. البته سالک باید تا در آغاز سلوک است صامت و خاموش باشد؛ چرا که او هنوز خام است و نا آگاه و چه بسا که گفتار او باعث افشای سر و ویرانگری و اضلال شود. پس از طی مراحل سلوک وقتی به مرحله منتهیان رسید آنگاه باید با سالکان مستور سخن در میان نهاده و زبان آوری کند. بنابراین می توان مهمترین فواید و نتایج خاموشی را که در متون عرفانی بدانها اشارت شده بدین گونه بیان کرد :

- ۱- خاموشی صدقه نفس است .
 - ۲- شناخت حقیقت ایمان در گرو نگاه داشت زبان است .
 - ۳- خاموشی بابی است از ابواب حکمت .
 - ۴- خاموشی جاذب محبت است (و انصتوا لعلکم ترحمون) .
 - ۵- خاموشی دلیل و راهبر بنده به خیرات و مبرات است .
 - ۶- توبه درست نیاید تا سالک خاموشی پیشه نگیرد (سهل عبدالله تستری)^۱.
 - ۷- حکیمان که حکمت یافته اند به خاموشی و تفکر یافتند (ممشاد دینوری)^۲.
 - ۸- خویشتین داری زبان نگهداری است .
 - ۹- سلامتی در خاموشی است .
 - ۱۰- خاموشی طریق اهل تحقیق است .
 - ۱۱- صمت باعث دوری از خواهشهای نفسانی است .
 - ۱۲- سکوت غفلت است از ارتکاب مناهی .
 - ۱۳- خاموشی نشانه معرفت و تجربه شهود است (من عرف الله کل لسانه)
- تعاریف و اهم فواید
و نتایج صمت از
دیدگاه عرفا

۱- رک: ترجمه رساله قشیریه، ص ۱۸۴.

۲- رک: همان.

منابع و مأخذ

- ۱- آمدی ، عبدالواحد ، (۱۳۸۱) ، *غررالحکم و دررالکلم* ، قم : انتشارات امام عصر .
- ۲- ابراهیمیان آملی ، سید یوسف ، (۱۳۷۷) ، *آفتاب عرفان* ، آمل : ناشر مؤلف .
- ۳- ابن عربی ، شیخ اکبر محیی‌الدین ، (۱۳۸۳) ، *فتوحات مکیه* ، ترجمه محمد خواجه‌جوی ، تهران : مولی .
- ۴- اعوانی ، غلامرضا ، (۱۳۸۶) ، *زبان و اندیشه مولانا با نگاهی تطبیقی به عطار* ، مجموعه مقالات مولانا پژوهشی ، دفتر اول ، تهران : موسسه پژوهش حکمت و فلسفه ایران .
- ۵- افلاکی ، شمس‌الدین احمد ، (۱۳۶۲) ، *مناقب‌العارفین* ، تصحیح حسین یازیچی ، تهران : دنیای کتاب .
- ۶- خلجی ، علی ، (۱۳۸۸) ، *مولانا و ادب ارادت* ، تهران : انتشارات ترفند .
- ۷- دهخدا ، علی‌اکبر ، (۱۳۸۳) ، *لغت‌نامه* ، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی ، تهران : روزنه .
- ۸- زمانی ، کریم ، (۱۳۷۹) ، *شرح جامع مثنوی معنوی* ، تهران : انتشارات اطلاعات .
- ۹- _____ ، (۱۳۸۲) ، *میناگر عشق* ، تهران : نشر نی .
- ۱۰- سجادی ، سید جعفر ، (۱۳۷۳) ، *فرهنگ معارف اسلامی* ، تهران : کومش .
- ۱۱- _____ ، (۱۳۷۰) ، *فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی* ، تهران : طهوری .
- ۱۲- سراج طوسی ، ابونصر ، (۱۳۸۲) ، *اللمع فی التصوف* ، ترجمه مهدی محبتی ، تهران : اساطیر .
- ۱۳- غزالی ، ابوحامد محمد ، (۱۳۸۴) ، *کیمیای سعادت* ، به کوشش حسین خدیو جم ، تهران : انتشارات علمی و فرهنگی .
- ۱۴- فروزانفر ، بدیع الزمان ، (۱۳۸۱) ، *احادیث و قصص مثنوی* ، تهران : امیرکبیر .
- ۱۵- قشیری ، عبدالکریم‌بن هوازن ، (۱۳۷۴) ، *رساله قشیری* ، ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی ، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر ، تهران : انتشارات علمی و فرهنگی .
- ۱۶- کاشانی ، محمود ، (۱۳۷۲) ، *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه* ، تصحیح جلال‌الدین همایی ، تهران : نشر هما .
- ۱۷- کلینی ، محمد بن یعقوب ، (۱۳۸۸) ، *اصول کافی* ، قم : نسیم حیات .

- ۱۸- گوهرین ، سید صادق ، (۱۳۸۲) ، شرح اصطلاحات تصوف ، تهران : زوار .
- ۱۹- لاهیجی ، شمس الدین ، (۱۳۷۸) ، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن زار ، تصحیح محمد رضا برزگر خالقی ، تهران : زوار .
- ۲۰- مجلسی ، محمد باقر ، (۱۴۱۱) ، بحارالانوار ، تهران : نشر طور .
- ۲۱- مجیدی خوانساری ، غلامحسین ، (۱۳۸۵) ، نهج الفصاحه ، کلمات قصار رسول اکرم (ص) ، تهران : انصاریان .
- ۲۲- مستملی بخاری ، ابوبکر ، (۱۳۷۲) ، شرح التعرف لمذهب التصوف ، تصحیح محمد روشن ، تهران : اساطیر .
- ۲۳- مولوی ، جلال الدین ، (۱۳۳۰) ، فیه ما فیه ، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر ، تهران : انتشارات دانشگاه تهران .
- ۲۴- _____ ، (۱۳۷۸) ، مثنوی معنوی ، تصحیح نیکلسون ، تهران : مولی .
- ۲۵- هجویری غزنوی ، ابوالحسن علی بن عثمان (۱۳۸۴) ، کشف المحجوب ، تصحیح: ژکوفسکی ، با مقدمه قاسم انصاری ، تهران : طهوری .